



وحدت

مساله مرکزی و محوری

نیروهای م-ل

- اتحاد انقلابی برای رهایی کار

- اتحادیه کمونیستهای ایران

- پیوند

- مبارزان راه طبقه کارگر

- مبارزین آزادی طبقه کارگر

بهمن ماه ۵۸

www.iran-archive.com

با توجه به پایان یافتن " کنفرانس وحدت . . . " (ر. ک به اطلاعیه مربوطه در پایان این جزوه) طرح حاضر توسط پنج گروه زیر مشترکا تهیه گردیده است . این طرح به تعدادی از گروههای دیگر نیز ارائه شده و موافقت کلی پاره ای از آنها جلب گردیده است و بحث در مورد پیوستن آنها در جریان می باشد . ماضن انتشار خارجی این طرح بمنتظر بهره گیری از نظرات و انتقادات نیروهای م - ل ، از کلیه گروهها و محافل کارگری م - ل جهت تحقق عملی امروحدت طبق یک برنامه مشترک دعوت بعمل می آوریم .

اتحاد انقلابی برای رهایی کار
اتحادیه کمونیست های ایران
پیوند

مبارزان راه طبقه کارگر
مبارزین آزادی طبقه کارگر

وحدت : مساله مرکزی و محوری نیروهای م- ل.

نگاهی به وضعیت عمومی

مدت زمانی است نیروهای م- ل. بمنظور پاسخ دادن به وظایف تاریخی خویش در پی یافتن راهی برای وحدت بخشیدن به نیروهای پراکنده خود به تلاشها و دست زده اند. این تلاشها به دلایلی که خواهد آمد، هنوز به نتایج مثبت و چشمگیری منجر نشده است و ما دام که ارزیابی صحیحی از وظایف، وضعیت و مشخصات خود در متن اوضاع و بیسزه جامعه نداشته باشند، این تلاشها هر قدر هم با حسن نیت توأم باشد، نخواهد توانست به نتیجه مثبتی دست یابد. بدین سبب ارزیابی مجدد، از اوضاع عمومی کنونی و وضعیت نیروهای م- ل. در درون آن، هر چند با اختصار ضروری بنظر میرسد.

اوضاع کنونی را میتوان به اختصار با تلامب مبارزه طبقاتی، ملی فدا مپریالیستی در متن یک بحران عمومی توصیف کرد. انقلاب ایران که در مرحله ای از خویش به فروپاشی رژیم گذشته منجر گردید، با ورود اقشار و طبقات مختلف به صحنه مبارزه سیاسی، طرح خواستهها و آماج مبارزه برای تحقق این خواستهها همراه بود. انتظارات بحقی که زحمتکشان و آزادیخواهان پس از سرنگونی رژیم پهلوی داشتند همچنان بدون جواب مانده است. زیرا هیئت حاکمه کنونی مطلقاً "فاقد کفایت تاریخی برای پاسخ گوئی به این خواستها و انتظارات است. عدم کفایت هیئت حاکمه کنونی در پاسخ گوئی بخواستههای تودهها و حل مسائل اجتماعی، ناشی از ماهیت طبقاتی آن است که در ایدئولوژی و اسپرهای جناحهای مختلف آن (خواه

برنامه مبتنی بر واقعیات و نیازهای کنونی و در عدم انسجام هیئت حاکمه و تضادهای شدید درونی آن با زتاب می یا بد. درهم پاشیدگی نظام گذشته و درهم ریختگی وضع اقتصادی نیز مزید بر علت شده بر ناتوانی آنان افزوده و به بحران موجود عمق و وسعت بیشتری داده است. هیئت حاکمه کنونی از حل این بحران عاجز و در تثبیت خویش ناتوان است. تغییر و تحولات سریع در هیئت حاکمه یکی از مظاهر عدم ثبات وی است.

بدیت ترتیب با توجه به خواستها و انتظارات طبقات زحمتکش و خلقها از یکسو و ناتوانی هیئت حاکمه کنونی از دیگر سو، در آینده ای ننه چندان دور بدون شک جامعه مواجه با یک اعتلای عمومی انقلابی خواهد بود. از هم اکنون در بسیاری از نقاط کشور شاهد مبارزات و درگیریهای توده ای هستیم و این تازه پیش درآمدی بیش نیست.

یکی از ویژگی های مهم وضعیت اجتماعی - سیاسی کنونی در اینست که مسئله "چه نیروئی پیروز میشود، انقلاب یا ضد انقلاب؟" هنوز بطور قطعی حل نشده است. صف بندی کامل "مشخص دوره قبل، پس از سرنگونی رژیم شاه، دچار تغییر و تحولاتی گردید و صف بندی جدید هنوز بصورت مشخص ایجاب و تثبیت نشده است. بخشی از نیروها شیکه در دوره قبل در درون - اپوزیسیون قرار داشت، با سوار شدن بر امواج خروشان جنبش توده ها پس از کسب مهمترین مواضع قدرت در مقابل توده ها و ادامه انقلاب فرار گرفت و به اردوگاه ضد انقلاب پیوست. در حالیکه، مرز بندی میان اردوگاه انقلاب و ضد انقلاب در درون نیروهای اجتماعی، هنوز فرصت انطباق با این وضعیت جدید را نیافته است و مرز بندیها بصورت مخدوش وجود دارد. در عین حال و خود نیروهای دیگر، چه بصورت با زمانه های نیروهای ارتجاعی

دوره قبل (دردرون دستگا ههای دولتی ، ارتش و... یا خارج از آن) و چه آن نیروهای ارتحای که در خارج از دایره قدرت یا در همسایگی آن قرار دارند ، سیمای عمومی نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود را پیچیده تر می کنند .

در سطح نیروهای خارجی نیز اوضاع از دوره قبل پیچیده تر است . امپریالیسم آمریکا - که دارای موقعیت مسلط در ایران بود - هرچند ضریبات مهمی از انقلاب در یافت کرد و سلطه بلامنازع قبلی خویش را در زمینه های سیاسی و نظامی تا حدودی از دست داد ، لیکن بهیچ وجه نفوذی قطع نگردید . امپریالیسم آمریکا تلاش می کند تا با استفاده از زمینه های وابستگی ، چه با تکیه بر نیروها شیکه دردرون قدرت (دستگا ههای دولتی ، ارتش ، حنا حهای از هیئت کمه) قرار دارند و چه از طریق وارد آوردن فشار ، موقعیت مسلط قبلی خویش را ، هرچند بشکلی تعدیل یافته باز یابد . امپریالیسم آمریکا ، میکوشد هم بشکل مسالمت آمیز یعنی از طریق احیاء و تحکیم تدریجی مناسبات وابستگی و هم از طریق تدارک درازمدت یک کودتا در آینده (بصورت خزنده یا نظامی) به هدف خویش دست یابد ، از سوی دیگر با بر قدرت روس ، تلاش می کند تا چه بطور مستقیم و چه از طریق عمال خویش ، خله نسبی ناشی از عقب نشینی آمریکا را بسود خویش برگرداند . بدین ترتیب تضادهای گوناگون و شدید بین نیروهای سیاسی و طبقاتی مختلف (منحمله دردرون خود هیئت حاکمه) از یکسو و نقش و تاءثیر نیروهای خارجی بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی از سوی دیگر اوضاع را پیچیده و بغرنج ساخته بر حساسیت و ^{بر}تجدد اوضاع می افزاید . از آنجا که تعادل کنونی نیروهای سیاسی و طبقاتی (چه در عرصه داخلی و چه تاءثیرات خارجی بر آن) شکننده و ناپایدار است ، و خواه ناخواه چیرگی و تسلط باید

از آن انقلاب یا ضد انقلاب باشد، وظائف و نقش نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها اهمیت بسیار زیادی دارد. شناخت درست وظایف و اجرای نقش صحیح و انقلابی در اوضاع کنونی تاء شیربسیار مهم و تاریخی بر اوضاع می گذارد و نشان ختن وظائف و عدم ایفای نقش ضروری از سوی کمونیستها، لطمات و شکستهای عظیمی برای جنبش و توده ها ببار خواهد آورد. آنچه در این میان محرز و مسلم است آنست که نیروهای م. ل. در وضعیت کنونی و در شرایط پراکندگی، بهیچ رو نخواهند توانست بر روی مسیر حرکت ایسن جنسبش و بطریق اولی بر سر نوشت آن، تاء شیر قابل ملاحظه و مثبتی باقی گذارند. و در چنین صورتی بیم آن میرود که این جنبش با ردیگر مسوورد بهره برداری نیروهای ضد انقلابی و ضد خلقی فرار گیرد و سرانجام پس از نوساناتی به زیر کنترل یکی از دو قطب جهانی درآید. (۱)

برای تاء شیر گذاری بر جنبش روبه اعتلائی که در پیش است، برای سد کردن یورش نیروهای ضد خلقی و ارتجاعی، نیروهای م. ل. نمیتوانند منتظر معجزه های باشنده که به هنگام درگیریهای توفان آسای آینده آنها را در راهس جنبش قرار دهد. لازمه این تاء شیر گذاری فعالیت پیگیر، مستمر، گسترده و متمرکز آنها در میان زحمتکشان و روشنفکران انقلابی است. این فعالیت فقط هنگامی که از طریق حزب کمونیست انجام شود واقعا " می تواند به ایجاد یک نیروی اجتماعی - سیاسی قابل توجه منجر گردد.

اکنون که توده های ملیونی در صحنه سیاسی وارد شده اند، و درآینده شاهد درگیریهای بسیار سختی برای این صحنه خواهیم بود، دیگر فعالیتهای گروهی بهیچ وجه نمیتوانند دنیا زهای توده های ملیونی را پاسخگو باشد. اکنون دیگر حرکت گروهی مطلقا " نمیتواند خود را با سیر تحولات سریع و پیر

مدتهاست

دامنه‌کنونی منطبق سازد. اکنون کدیگر صرف‌فعالیتهای مستقل گروهی
تاریخا "به‌سرا آمده‌است. و هرکس این مطلب را درک نکند، نه‌از مبارزه
سیاسی بوئی برده‌است و نه‌از دینا میم و نیازهای مبارزه‌طبقاتی.
پراکنندگی جنبش کمونیستی و فعالیت مستقل و جداگانه‌گروهها و
مخالف‌م-ل. در ۲۵ سال اخیر، نتایج وخیم و مصیبت‌باری بر جنبشهای
ضدامپریالیستی - ضدارتجاعی خلقهای میهن ما داشته‌است. این پرا-
کنندگی و حرکت مستقل و جداگانه‌درسالیهای پیش (صرفنظر از اختن-سا ق
فاشیستی رژیم شاه) اساسا "ناشی از نفوذ رویزیونیسم در جنبش مارکسیستی
ایران و همچنین مشی و بینش چریکی جدا از توده‌بوده‌است که اولی بروحیه
انحلال طلبانه و پاسیفیستی و تسلیم طلبی و وابستگی و دنباله‌روی در
جنبش‌دامن زدودومی نیزبا جدا کردن انقلابیون از توده‌ها، تبلیغ و تاکید
بر حرکات مسلحانه جدا از توده و نفی کارسیاسی و توده‌ای و نیز نفی ضرورت
مبارزه برای ایجاد حزب، در عمل بخش مهمی از هواداران مارکسیسم و
نیروهای انقلابی را از کار با برنامه و مشخص در جهت ساختن حزب باز
داشت. در این میان گروهها و محافل که با رویزیونیسم و مشی و بینش
چریکی مرزبندی کرده بودند، بصورت اقلیت ضعیفی در درون جنبش چپ
ایران بحیات خود ادامه میدادند. مبارزه‌این جریان با رویزیونیسم
، فرصت طلبی و فرمیسیم از یک سو و با آوانتوریسم، ولونتاریسم و حرکت
جدا از توده از سوی دیگر توانست مشی صحیح را درگیر و در حملات گوناگونی
که به آن وارد میشد (از جانب رژیم، از جانب رویزیونیستها و از سوی طرف-
داران مشی چریکی) حفظ کند و تا حدی ارتقا دهد، ولی نتوانست از عوارض
و گرایشهای اکونومیستی و دکماتیستی و سوبژکتیویستی خود را رها بخشد.
حرکت مستقل گروههای م-ل. در سالیهای اخیر خواه‌آنان که به مبارزه در

راه ایجا د حزب بعنوان و وظیفه میرم معتقد بودند و خواه آنها که به بها نه —
های گوناگون (از جمله نداشتن پیوند ارگانیک با طبقه، نبود کمیت لازم،
نبود حرکت سیاسی یا سرتاسری طبقه کارگر و...) آن را بعنوان وظیفه
میرم نفی میکردند در عمل تا کنون پراکندگی موجود را تاءبید و تشبیهست
نموده است. مساءلد بسیار مهم این است که اگر در گذشته (پیش از توده ای
شدن جنبش) به رغم ضعفها و ناتوانیهای فراوان حرکت مستقل گروهها هنوز
با سیر جریانها همسو بوده، گروهها و محافل قادر بودند به نیازهای بسیار
محدود مبارزاتی که در حوزه فعالیتشان بود، پاسخی کم و بیش درخور آن
زمان ارائه دهند، لیکن اکنون که دشتهای وسیع توده های ملیونسی
خلق آبیاری شده و آماده بارور ساختن بذراست، ادامه فعالیت از همان
دیدگاه قدیمی و کاشتن بذر در گلدان (هر چند تعداد گلدانها دهها برابر هم
شده باشد) کاری بیهوده و مسخره است. در دوره کنونی، هر کس و هر نیروئی
که شرایط تکامل یافته و بطور کلی زیرو روشده کنونی را درک نکند، هر
نیروئی که در صدد با شده هنوز همان نیازها، دیدگاهها، و روشهای دوره قبل
را در دوره جدید ادامه دهد، و بطور خلاصه هر نیروئی که رسالت فعالیت گروهی
و منفرد را پایان یافته نداند قهرا "موجب عقب کشیدن جنبش، میگردد.
هر کوششی در زمینه تحمیل شرائط تاریخی سپری شده دوره قبل بسه دوره
کنونی (بصورت امتداد بخشیدن به همان فعالیت گروهی)، چه تحمیل کننده
بخواهد و چه نخواهد و مستقل از نیات وی کوششی واپس گراست و نتیجه این
کوششها، چنانچه از جانب گروه یا گروههای خاصی باشد انفرادی و ضحلال
و چنانچه از جانب مجموعه نیروهای م. ل. باشد، طی کردن سیر قهقرا ئسی
پوسیدگی و گندیدگی از درون خواهد بود زیرا که بهیچوجه با شرائط و نیازهای
زمان منطبق نیست.

بدین ترتیب به اعتقاد ما اکنون جهت نعلیت کلیه گروهها و نیروهای اصیل م- ل. نه امتداد بخشیدن و ادامه همان نوع فعالیت های سابق بلکه حرکت در جهت نفی اینگونه فعالیت ها و حرکت در جهت پایان بخشیدن به دوره ایست که تا ریخ آن دیر زمانی است بسرا آمده است. از این رومسئله مرکزی نیروهای م- ل. در اوضاع کنونی عبارت از وحدت انسان است و بنا بر این عمده نیروهای آنان باید در جهت حل این مسئله سمت داده شود. هرگونه کم توجهی به این مسئله، هرگونه پرسها دادن به فعالیت های مستقل گروهی در قبال این مسئله محوری و مرکزی م- ل.ها، انحرافی است که رشد جنبش م- ل. را مختل خواهد ساخت .

اگر در گذشته رشد جنبش م- ل. بهمان دلایلی که بر شمردیم، می- توانست بصورت رشد مستقل گروهها از طریق فعالیت سیاسی و تشکیلاتی میان کارگران و روشنفکران تحقق پذیرد، در مرحله کنونی این رشد دیگر بصورت تغییرات کمی گروهها میسر نیست و نیا زمندتحوالی کیفی میباید شد. و این تحول کیفی، فقط با نفی دیالکتیکی آنان و متحول شدنشان در چیزی با کیفیتی متفاوت و عالیتر میسر است. (۳)

نگاهی به وضعیت نیروهای م- ل.

اکنون پس از این مقدمه کوتاه مشخصات و وضعیت کلی نیروهای م- ل. را مورد ملاحظه قرار دهیم .

نیروهای تشکیل دهنده جنبش م- ل. به درجات مختلف دارای خصوصیات نظیر جوانی، کم تجربگی در زمینه مبارزه طبقاتی، یا پاره ای ردپاهای بینش چریکی (سکتاریسم، انحمارطلبی، ...) هستند در عین حال که بطور کلی - - - - - سی از رزمندگی نسبتاً " زیادی برخوردارند. لیکن

آنچه در اینجا بیشتر مورد نظر ماست برخورد به اشکالات و کمبودهای است که بر مجموعه این جنبش حاکم است و ما آنها را در سه نکته زیر خلاصه میکنیم:

۱- خرده کاری و پراکندگی .

۲- تشتت ایدئولوژیک و ضعف تئوریک (نبود یک تئوری منسجم و

همه جا نبه در مورد انقلاب ایران).

۳- ضعف پیوند با طبقه کارگر و توده ها و جدائی از جریانات سیاسی روز.

بدیهی است این سه وجه با یکدیگر در ارتباط دیالکتیکی هستند .

پایان بخشیدن به پراکندگی موجود در حالیکه تشتت و نا روشن ماندن مرز بندیهای ایدئولوژیک و پاره ای مواضع سیاسی ، همچنان باقی است نامیسر به نظرمی رسد . از سوی دیگر گسترش و تعمیق پیوند با طبقه کارگر و توده ها با پراکندگی و خرده کاری موجود در تضاد است و نیز بدون دست یافتن به تئوری انقلابی نسبتاً " منسجم و رفع تشتت ایدئولوژیک حاکم امکان پیوند وسیع و عمیق با طبقه کارگر و توده ها میسر نیست و همچنین ضعف پیوند با طبقه و توده ها از سوئی دستیابی به تحلیل مشخص و خود ویژه از اوضاع اجتماعی - سیاسی را مشکل می سازد و از سوی دیگر گرایشهای فردی ، ضد تشکیلاتی و نیز سکتاریستی را تقویت میکند . (۴)

بدین ترتیب رفع این نواقص بسبب وجود ارتباط میان آنها
مستقل از یکدیگر میسر نیست ، معیذاً با دیدن دوره ها و در اوضاع کنونی ، در میان آنها ، حلقه تعیین کننده را یافت و با در دست گرفتن این حلقه تعیین کننده به این دور باطل خاتمه داد و مشکلات موجود را رفع کرد . نیرو های مختلف ممکن است بر حسب ارزیابی های متفاوت یکی از این سه وجه را تعیین کننده قلمداد کنند . چنانچه وجه اول یعنی خرده کاری و پراکندگی

بدون توجه بوجه دیگر حلقه تعیین کننده ارزیابی شود، راه حل ارائه شده در درجه اول و قبل از مشخص نمودن مرزبندیهای ایدئولوژیک-سیاسی، از میان برداشتن مرزهای تشکیلاتی خواهد بود. این راه حل چنانچه مبرزه برای تدوین مشی و برنامه انقلاب در رابطه با جنبش پرولتاریا و توده ها و وحدت بر روی آن مشی و برنامه پیش از وحدت تشکیلاتی راه هدف خود قرار ندهد، در صورت "موفقیت" به سازمان بزرگی که در آن وحدت و انسجام ایدئولوژیک وجود ندارد و سازمانی روشن فکری و جدا از توده است تبدیل میشود. در صورتیکه وحدت و انسجام را مطلق کنیم با توجه به وضعیت کنونی جنبش کمونیستی، ضرورت حرکت پراکنده برای پیوندیابی با طبقه کارگر یعنی ابدی کردن خرده - کاری را تبلیغ نموده ایم. اعتقاد ما بر این است که حلقه های اصلی، بدون آنکه آنرا مطلق نمائیم - در اوضاع کنونی عبارت است از رفیع تشنت ایدئولوژیک موجود از طریق مبارزه مشترک برای تدوین مشی و برنامه کمونیستها و بدینسان رفع پراکندگی و خرده کاری حاکم بر جنبش و ایجاد شرایطی که پیوند واقعی و ارگانیک کمونیستها را با طبقه کارگر و اتحاد سوسیالیسم را با جنبش خود بخودی میسر می سازد. لنین در شرایطی کم و بیش مسا به کشور ما، در رابطه با ضرورت کار مشترک تدوین مشی و برنامه مسا برای حزب می گوید:

"دائری این خرده کاری نظریات مختلف رفقا پیرامون مسائل شوریک و عملی آشکارا در یک ارگان مرکزی طرح نمیگردند، به تدارک یک برنامه حزبی مشترک و تاکتیک مشترک کمی نمی نمایند، بلکه در محدوده ای تنگ ناپدیدگشته و یا به افراط بیشتر از حد در ویژگی های محلی و یا اتفاقی منتهی

میشوند، ما از این خرده‌کاری دیگر سیر شده‌ایم! ما به
اندازه کافی پخته هستیم، تا به کار مشترک، به تدارک یک
برنامه حزبی مشترک، به طرح مشترک تاکتیک سازمان حزب
خودگذازنماییم."

لنین، وظیفه فوری ما، (تاء کید بر کلمات ازماست)
در همین جا اشاره به نقطه نظریه‌ها استدلالی که اخیراً در میان
برخی گروهها (از جمله رفقای "سازمان پیکار..." و "رزمندگان...")
رایج گردیده است، ضروری به نظر می‌رسد. این دسته از رفقا ظاهراً همسان
تشتت ایدئولوژیک وضعف تئوریک یا نبود تئوری انقلابی را بعنوان جنبه
تعیین کننده نواقص فوق عنوان می‌کنند. لیکن برخورد آنان به این
مسئله یکجانبه و مطلق‌گرایانه است، استدلال آنان چنین است که جنبش
پراکنده م. ل. کنونی فاقد تئوری انقلابی است (هر چند عناصری از آن
موجود است)، و از آنجا که وحدت جنبش حول یک تئوری انقلابی صورت می‌گیرد،
بنا بر این در شرایط حاضر وحدت گروهیای م. ل. ناممکن (و شاید حتی غیر
اصولی و نادرست) است. برغم ظاهر آراسته، این نزد بطن خوددارای
تناقضی حل‌نشده است و در عمل به غیر از تئوریزه کردن پراکندگی و
کرنش در مقابل آن و نتیجتاً ابدی کردن خرده‌کاری به چیز دیگری منجر
نمیشود. این دسته از رفقا توجه نمی‌کنند که تدوین تئوری انقلابی نیاز-
مندیک همکوشی و فعالیت مشترک است و، نه پراکتیک محقر گروهها به تنهایی
میتوانند عناصر لازم برای تدوین تئوری انقلابی را در اختیار گذارد و نه
امکانات تئوریک محدود هر گروه قادر به جمع‌بندی و تدوین تئور
انقلابی است. بدین ترتیب این دسته از رفقا امروزه تدوین تئور ی

انقلابی را وارد یک دور باطل میکنند : تئوری انقلابی وجود ندارد یس وحدت میسر نیست ، لیکن پراکندگی کشنده موجود نیز خودمانی بر سر راه تدوین تئوری انقلابی بصورت کلیتی منسجم است (بویژه آنکه خرده کاری ناشی از پراکندگی ، به طرز اسفناکی نیروی بر باد داده می باشد) .

از سوی دیگر این رفقا با مطلق کردن اختلافات ایدئولوژیک میان گروهها این مسئله را نیز به گونه ای یکجا نبه و لاجرم نا درست مورد ارزیابی قرار میدهند و راه حلی غیر واقعی و نا منطبق با وضعیت کنونی برای آن ارائه میکنند . اینان به نا درستی تصویری کنند که مرزهای تشکیلاتی موجود میان گروهها منطبق با مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک معین و مشخص است و علت جدائی میان گروهها را تنها در وجود سیستمهای متفاوت فکری میان آنان می بینند . این روش برخورد مطلق گرایانه است زیرا هر کس که با گروههای موجود آشنائی دارد و در وضعیت آنها تعمق کند در مییابد که مرزهای تشکیلاتی موجود در میان گروهها در بسیاری موارد منطبق بر مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک نیست . زیرا اولاً وجود چند گروه و سازمان متما یزد در درون این طیف خود دلایلی برداین نظریه است چون روشن است که ما به همین تعداد سیستم های فکری متفاوت و نه حتی مسئله مسورد اختلاف داریم . کل مسائل مورد بحث و اختلاف در درون طیف مزبور از دو یا سه مسئله اساسی متجاوز نیست . ثانیاً اختلافات ایدئولوژیکی که میان گروهها وجود دارد به نسبت و درجه معینی در درون بسیاری از گروهها هم موجود است (چه در رابطه با مسائل داخلی ، ساخت جامعه ، مرحله انقلاب و چه در رابطه با مسائل بین المللی) . در مواردی حتی نوع اختلافی که در یک گروه معین وجود دارد بصورت عمیق تر و مهم تر از اختلافات میان گروههای مختلف است و غالب اینجاست که گروه "زمنندگان" (که ظاهراً بیش از دیگران

مدافع این نظرات است) خودبازرترین نمونه این وضعیت است. شاهد مثال دیگری در این رابطه انشعابها می باشد که در یکسال اخیر در میان گروهها صورت پذیرفته است و همه میدانیم که این انشعابها نه از زاویه وجود مواضع روشن و مشخص ایدئولوژیک بلکه عمدتاً از زاویه اختلافهای تشکیلاتی صورت پذیرفته است. عدم انطباق مرزهای تشکیلاتی موجود بر مرزبندیهای ایدئولوژیک مشخص، به چگونگی ایجاد گروههای موجود باز میگردد. گروههای م- ل. عموماً با توجه به نیازهای مبارزاتی و در شرایط دیکتاتوری فاشیستی رژیم قبل، زمانیکه امکان تماسهای نسبتاً وسیع و مباحثهای ایدئولوژیک دقیق وجود نداشت، بر سرعام ترین مواضع (و بطور عمده بر سر مرزبندی بر روی شیوه مبارزه) تشکیل میگرددند. و دامنه شکل گیریهای ابتدائی آنان در حدود آشنا شیهای دوستانه و یا تصادفی (در مواردی خاص) بوده است. از این رو مرزبندیهای تشکیلاتی - یا به عبارتی حصارهای تشکیلاتی موجود - پیش از آنکه نتیجه مرزبندیهای سیاسی و ایدئولوژیک باشد، محصول طبیعی و خودبخودی شرایط بوده است که چنین وضعیتی را تحمیل نمیکرد، شرایطی که اکنون کلی تغییر یافته است.

بدین سبب اعتقاد ما بر این است که مسائل ایدئولوژیک موجود پیش از آنکه نماینده اختلافات ایدئولوژیک و نماینده سیستمهای فکری متفاوت باشد، بیانگر ابهامات و ناروشتنیهای در مسائل تئوریک است. از همین رو در اکثر موارد این اختلافات را نه طبقاتی بل معرفتی ارزیابی می کنیم و راه فائق آمدن به تشتت موجود را همکاری و همکوشی نزدیسک میان کلیه نیروهای م- ل. برای حل مسائل و ابهامات تئوریک و مبارزه

سا زنده برای دست یافتن به سیاست و برنا مهیرولتسبری و یاروشن نمودن مرزبندیهای دقیق میدانیم . تذکراین نکته نیز لازم است که گرایشهای انحرافی گوناگون در درون همهء سازمانها و گروهها وجود دارد و تنها در پرتویک مبارزه مشترک عمومی برای تدوین مشی و برنا مـــه کمونیستهاست که مرز واقعی بین مارکسیسم و اپورتونیسیم مشخص خواهد شد و جنبش کمونیستی خواهد توانست بر انحرافات گوناگون غلبه کند .

مطلق گرائی دیگر در زمینه اختلافات ایدئولوژیک و شیوه حل آنها بدین صورت است که عده ای تصور میکنند نیروهای م- ل، هنگامی میتوانند به وحدت دست زنند که کلیه مسائل ایدئولوژیک و تئوریک میان آنها - حتی در جزئیات - حل شده باشد . این دسته از رفقا حل مسائل ایدئولوژیک را مستقل از نیا زهای مبارزاتی و مستقل از شرایطی که مبارزه سیاسی و طبقاتی در آن جاری است ، می بینند و قاعدتاً در به تفکیک عمده از غیر عمده نیستند . این فکر از این توهم ساده لوحانه ناشی میشود که گویا میتوان مسائل و اختلافات ایدئولوژیک را یکبار برای همیشه حل کرد و کنار گذاشت . آنان تصور میکنند که مبارزه ایدئولوژیک تنها میان سازمانهای جدا از هم بایدمورت گیرد و نه خط مشی ها و نگرشهای مختلف و گویا در درون یک سازمان مبارزه ایدئولوژیک وجود ندارد . آنان از "خلوص ایدئولوژیک" یک برداشت مذهبی و دگم ارائه می دهند . حال آنکه چنانچه در مورد مسائل اساسی ایدئولوژیک که در مشی و برنا مه سیاسی بازتاب می یابد اشتراک نظر موجود باشد ، بویژه در شرایط حاضر که جنبش م- ل، در موقعیت خطبری است و در محاصره رویزیونیسیم قرار دارد ، باید هر چه زودتر به وحدت خویش تحقق بخشید و حل پاره ای اختلافات ایدئولوژیک را بمبارزه درونی محول نمایند .

نمود دیدگریکوسنگری در مطلق کردن اختلافات و نا دیده انگاشتن
وجوه وحدت است . اگر مطلق کردن وحدت و نا دیده انگاشتن اختلافات و
ابهامات ، منجر به راه حل‌های فورمالیستی میگردد ، عکس آن نیز در شرایط
کنونی از سوی دیگر برای امر وحدت زیانبار است و در اوضاع کنونی وجه
اخیر میان نیروهای م- ل. غالب مییابد . این درست است که در میان
نیروهای م- ل. موجود پاره‌ای اختلافات کم و بیش مهم ایدئولوژیک و
بیش از آن ابهامات تئوریک موجود است ، لیکن این نیز درست است که در
درون این طیف وحدت نظرهای نسبتاً زیادی موجود است که در مورد امر
وحدت نمیتوان آنها را نا دیده گرفت . به عنوان مثال معیارهای ائد -
ئولوژیک کنفرانس وحدت هر چند ممکن است پاره‌ای برداشتهای کم و بیش
متفاوت از بعضی نکات آن باشد ، نشا ندهنده وجود طیف اشتراک نظر هاست .
نکته آخری که در مورد مبارزه ایدئولوژیک لازم به تذکر است ، مشخص
نمودن مضمون اصلی آن است . مبارزه ایدئولوژیک م- ل. ها به اختلافها
و خرده اختلافهای درونی خویش نیاید محدود گردد ، بلکه و در درجه اول این
مبارزه باید علیه جریانهای عمده ای که جنبش م- ل را مورد مخاطره قرار
میدهد صورت گیرد . این خطر عمده در اوضاع کنونی رویزیونیسم (بویژه
در شکل روسی آن) می باشد . بسیاری از انحرافات موجود درون م- ل. ها
در اثر نفوذ مستقیم و غیر مستقیم تزه و ترهات رویزیونیستی است . بدین
سبب پالایش ایدئولوژیک جنبش م- ل. بطور عمده از طریق برآه انداختن
یک جریان مبارزه همه جانبه ایدئولوژیک - سیاسی علیه این تزه و بینش
هاست و بنا بر این مضمون عمده مبارزه ایدئولوژیک در دوره حاضر را
مبارزه علیه رویزیونیسم تشکیل می دهد .

نگاهی به گذشته کنفرانس

اکنون قبل از آنکه به توضیح طرح پیشنهادی بپردازیم، نگاهی کوتاه به گذشته کنفرانس بیندازیم و از نتایج آن ارزیابی مختصری ارائه دهیم

کنفرانس وحدت در شرایط پس از قیام که کمونیستها ضرورت فعالیت و اقدام متحد و مشترک را در اوضاع و احوالات مبارزه عظیم ضد امپریالیستی مشاهده و ارزیابی کرده و خیزش مبارزات طبقه کارگر در کمر کرده بودند وجود آمد. شور و وحدت طلبی و مبارزه مشترک در جلسات آغاز این گردهمایی که بدوین تدارک و برنامۀ مشترک و شناخت کافی از گروههای شرکت کننده و بدون چشم انداز روشن و واحداً از اهداف آن، فراخوانده شده بود و همچنین کم تجربه و نا-پختگی گروههای م-لنویز در مناسبات بین گروهی باعث شده شکل و روابط و مناسبات، بدون بررسی دقیق محتوا (وظایف و فعالیتها) مورد بررسی و توافق قرار گیرد. عبارت دیگر مسئله برنامۀ امپریالیستی (تئوری انقلابی) که بر اساس آن مسئله وحدت با بد بررسی گردید و وحدت آیدئولوژیک سیاسی لازم برای وحدت یا طرح نشد و یا چون مسئله وحدت به عنوان مسئله مبرم روز در نظر نبود، مورد تاءکید لازم قرار نگرفت.

این طرح (که خود را در طرح کمیته هماهنگی نشان میداد) بزودی به بن بست برخورد کرد. البته نحوه برخورد بدین صحیح و عمیق نبود زیرا به ضعف اصلی این طرح که کم توجهی به مبارزه مشترک برای رسیدن به وحدت آیدئولوژیک - سیاسی و تدوین مشی و برنامه جامع بود اشاره نگردید و گروهها کما بیش بطور غریزی و با براساس طرح وحدتی که خود در نظر داشتند^(۵) با آن برخورد و آنرا رد کردند.

کنفرانس پس از به بن بست رسیدن طرح کمیته هماهنگی و طرح اختلاف و نیز در طرحی که بنام "سازمان واحد" عنوان شده بود و پس از بحث های طولانی در زمینه دیدگاه های وحدت، به این نتیجه مشترک دست یافت که مبارزه ایدئولوژیک برای رسیدن به وحدت نقش محوری دارد. لیکن این نتیجه نتوانست خود را در یک طرح منسجم و با نقشه متبلور سازد. معین کنفرانس، تا دست یافتن به یک طرح همه جانبه توافقی اصولی دست یافت که از جمله انتشار یک مجله تئوریک - سیاسی و همچنین دست زدن بیک رشته همکاری های با برنامه (توسط کمیته های مشترک) بود. (رجوع کنید به بیانیه شماره ۱ کنفرانس وحدت). این توافق های اصولی هر چند مسئله وحدت را بطور واقعی و تشکیلاتی حل نکرد ولی میتوانست گام های مثبتی در این راه بردارد که بخاطر دیدهای مختلف از مبارزه ایدئولوژیک و چگونگی پیشبرد آن و نیز از همکاری و اساس دیدهای مختلف در باره وحدت و وجود پاره ای منافع گروهی به نتیجه نرسید. البته در این زمینه گروه های مختلف برخورد های متفاوت داشتند. از نظر برخی گروه ها؛ فعالیت در کنفرانس (چه فعالیت های تئوریک و چه عملی) اولویت خاصی داشت و این گروه ها، از آن جهت که این طرح کما بیش با طرح مورد نظر آنها همگونی داشت بدان امید بسته بودند. اما عدم اجرای مصوبات کنفرانس و وظائف مندرج در بیانیه شماره ۱ کنفرانس از سوی پاره ای گروه ها و اولویت قائل شدن برای فعالیت گروهی (در زمینه های مشترک و مورد توافق) باعث شد که گروه ها همگی هم که برای فعالیت های تئوریک و عملی کنفرانس اهمیت و اولویت خاصی قائل بودند (البته اولویت درجه اول از سوی هیچ گروهی پذیرفته نشده بود)، بتدریج و در برخی موارد جباراً

گسترش و عمق بخشیدن به حرکت کنفرانس با زایستندبیدین سان کنفرانس
دچار رکودی شده همه‌کما بیش آنر حس کردند و دیدند کنفرانس که هم در
بین گروهها و هم در سطح جنبش امیدها و انتظارات معینی را دادا من زده
بوده چیزی زائد و حاشیه‌ای تبدیل شده است .

در باره علل بهین بست رسیدن کنفرانس و عدم انجام فعالیت‌های
تئوریک و عملی تصویب شده آن باید بطور جدی به بررسی پرداخت و هرچند
لزوم چنین امری توسط گروهها تا آید شده بود ولی عملاً تا کنون تحلیل
مشخصی از حرکت کنفرانس داده نشده است . ما میکوشیم بطور مختصر علل
مهم این رکود وین بست و به عبارت دیگر تجربه منفی کنفرانس را بررسی
کرده ، از آنجا راه‌آداده صحیح مناسبات گروهها در زمینه امر خطیر وحدت
را فرمولبندی کنیم .

مسلم است یکی از دلایل بسیار مهم رکود کنفرانس وجود پاره‌ای اختلافات
ایدئولوژیک - سیاسی و بیش از آن ابهامات ، نارسائی ها و ناروشنی ها و
عدم شناخت صحیح از مواضع سیاسی واقعی گروهها بوده است . این امر
ممکن است برای کسانی که بیرون از کنفرانس هستند تعجب آور و جستی
مضحک باشد زیرا وجود اختلافات ایدئولوژیک و ابهامات تئوریک میبایست
بحثها و برخوردهای سازنده‌ای را دامن بزند و به حل این مسائل کمک کند .
ولی متأسفانه از آنجا که بحث و برخورد خلاق و همه‌جانبه بر مسائل اساسی
جنبش در کنفرانس صورت نگرفت نه اختلافات سیاسی ایدئولوژیک حل
شد و نه حتی مرز دقیق و روشن این اختلافات آشکار گردید . بحث بر سر
اعلامیه‌ها یا پاره‌ای اعلام مواضع در کنفرانس و همچنین حرکات مشترک
، همواره و ضرورتاً قسمی و موضعی بود و با اینکه در اینموارد اغلب کنفرانس

به نتیجه میرسید و این فعالیتها نتایج مثبتی هم برای جنبش داشت (هر چند ناچیز و نا کافی) ولی بحث های اساسی و همه جانبه بررسی رشته مسائل حاوی اساسی جنبش هرگز صورت نگرفت و قدم عملی پیش بینی شده برای انتشار یک نشریه تئوریک که ابزار مؤثری برای اینکار میتواندست بحساب آید به نتیجه نرسید. آنچه که باید توجه کرد این است که ضعف و نارسائی در این مورد نه به نقشه و طرح (هر چند خود نقشه و طرح نیز ناقص بود) نشریه تئوریک، بلکه به روشهای تشکیلاتی و طرز برخورد عملی به آن بسر میگردد. گروهها همه اذعان داشتند که مبارزه با ایدئولوژیک و همکوشی تئوریک برای حل مسائل اساسی جنبش ضرورت درجه اول دارد ولی ابزارهای تشکیلاتی و نیروهای سازمانی که میبایست در خدمت این "ضرورت درجه اول" قرار گیرد بهیچ وجه کافی نبوده و گروهها عملاً نیروئی که متناسب با این اولویت درجه اول باشد در خدمت رفع و حل این ضرورت درجه اول نمیگذاشتند. یعنی طرح از این جهت ناقص بود که ابزارهای عملی برای اجرای خود را پیش بینی نمیکرد.

مسئله مهم دیگر این بود که حتی در حدی هم که طرح و مصوبات کنفرانس قبول مسئولیت و اختصاص نیرو را از کنفرانس طلب میکرد پاره ای گروهها بدان نیرو اختصاص نمیدادند. این امر بطور مشخص از سکتاريسم و اجتناب از کار جمعی این گروهها ناشی میشد. البته برخورد لیبرالی در کنفرانس و نداشتن نظامنامه، ضوابط و معیارهایی برای اجرای مصوبات نیز با این بی عملی‌ها منمیزد. ممکن است این رفتارها بگویند که ما درک دیگری از کنفرانس داشتیم و یا درک ما از وحدت چیز دیگری است، اما این توجیه صحیح و قابل قبولی برای نحوه برخورد آنها نیست. زیرا اگر آنها با طرح و مصوبات کنفرانس مخالف بودند نمیبایست زیر آنرا امضا میکردند.

یکی از مسائل دیگر که به نحوه درک متفاوت گروهها از امر وحدت مربوط میشود، مسئله مربوط به ضوابط و معیارهای جنبش کمونیستی است. کنفرانس در ابتدا یک رشته ضوابطی را شرط شرکت در کنفرانس قرار داد. آنچه که همه قبول دارند این است که این ضوابط بحد کافی (وحتی لازم) در سطح جنبش روشن و مشخص نشده بودند و مبارزه ایدئولوژیک برای اثبات صحت آنها صورت نگرفته بود. از اینرو پارهای از گروهها با توجه به این امر از یک طرف و همچنین فشاری که از سوی پایه‌های گروهی و هواداران به آنها وارد میشد بدین نتیجه رسیدند که بایستی این ضوابط تغییر کند و به اصطلاح تعدیل شود تا نیروهای دیگر جنبش نیز بتوانند در کنفرانس (یا هرگونه تجمع برای وحدت) گردآیند. این نحوه دید راجع به وحدت یعنی تلاش برای متحد کردن هر چه وسیعتر نیروهای چپ بقیمت تعدیل و یا فدا کردن پارهای اصول (البته بشرطی که گروهها ضوابط کنفرانس را بعنوان اصول بشناسند)، دیدی جبهه‌ای راجع به حزب است که با توجه به شرایط جنبش کمونیستی میهن ما (یعنی قوی بودن گرایش‌های انحرافی و نادرست در جریان چپ) و همچنین بحران جنبش بین‌المللی کمونیستی بنظر ما زیان بخش و خطرناک است.

ما معتقدیم دقیق کردن ضوابط ایدئولوژیک - سیاسی و خط مرز روشن ایدئولوژیک و سیاسی کشیدن بین کمونیستها و دیگران شرط اصلی وحدت آهنگین و واقعی جنبش است و هرچند که بخش کوچکی از جنبش چپ ممکن است در ابتدا بگرد این معیارها گردآیند ولی از آنجا که این معیارها، معیارهای انقلابی است میتواند بدسرت نیروهای راستین جنبش را بسوی خود بکشد. تاریخ نشان داده است که بارها نیروهای انقلابی در اقلیت بوده اند ولی این امر هرگز باعث نشده که آنها دست از ضوابط اصولی بردارند

واصولیگری آنها از یکطرف و تلاش خستگی ناپذیرشان در مبارزه انقلابی و افشا و طردجریا نهی ضد انقلابی و سازشکارانه اصولی و انتقاد سازنده از نیروهای صادق ولی دچار انحراف باعث شده است که بزودی به اکثریت تبدیل شوند .

بدینسان اشکالات اصلی کنفرانس - بویژه در مرحله اخیر آن - به نظر ما چنین است :

- با آنکه کنفرانس بدرستی مبارزه ایدئولوژیک و همکوشی تئوریک برای حل مسائل اساسی جنبش (وضعیت طبقاتی جامعه ، وضعیت سیاسی ، مرحله انقلاب ، وظایف م - ل ها و ...) را بعنوان وظیفه اصلی قرارداد بود ولی ضرورتهای عملی و تشکیلاتی برای اجرای این وظیفه را پیش بینی نکرده بود . بعبارت دیگر ترتیبی اتخاذ نکرده بود که از نظر عملی هم برای آن چیزی که از نظر تئوریک اولویت قائل شده ، اولویت قائل شود .

- در مورد ضوابط و معیارها بحث نشد و همین امر باعث گردید که بعدها "برخی از گروهها در مورد تغییر و تعدیل معیارها و همچنین طرح و چشم اندازشان از وحدت با دیگر رفق اختلاف پیدا کنند .

- کنفرانس برخوردی لیبرالی و دنباله روانه نسبت به مسائل جنبش و همچنین عملکرد گروهها بویژه در رابطه با مناسبات متقابل داشت . این امر بویژه در نبودن نظام مناسبات و ضوابط تشکیلاتی و تعهدات متقابل نمود می یافت .

- در زمینه همکاریه های مشترک (چه در درون خود نیروهای کنفرانس و چه در رابطه با دیگر نیروهای جنبش) سیاست ، برنامہ و ضوابط روشن وجود نداشت و کنفرانس در این موارد بعضا " بصورت خود بخودی و دنباله روانه

عمل میکرد و بدین ترتیب کنفرانس نتوانست خود را با سیرجریانات سیاسی درحاضر همراه کند .

— برخورد های ناسالم و غیررفیقا نه نوعی عدم اعتماد و پیش داوری بین گروهها وجود داشت . برخی گروهها اختلافات و ابهامات را بجای آنکه از طریق مبارزه ایدئولوژیک و برخورد مستقیم و صادقانه و رفیقا نه حل و پیا روشن سازند از راههای نادرست ، از طریق دام زدن به شایعات و از راه برخوردهای شخصی و گروهی ناسالم صورت می دادند .

طرح پیشنهادی

اکنون با توجه به مطالبی که در بالا گفته شد ، ببینیم چه نقشه معینی برای به وحدت رساندن نیروهای م — ل یعنی ایجاد حزب کمونیست با بیدرپیش گرفت و خصوصیات آن چه باید باشد . به عبارت بهتر با دیدید گام نخستین در این راه کدام است .

هر طرحی که در نظر داشته باشد نیروهای م — ل را متحد کند یا دست کم راه وحدت را بگشاید ، هر طرحی که بخواهد واقع بینانه و عملی باشد اجباراً "با بیدر واقعیات خارجی که بطور عینی مورد ارزیابی قرار گرفته اند ، متکی باشد . در غیر این صورت آن طرح و نقشه هر قدر با کلمات زیبا و جملات نغزبان شده باشد ، چون برو واقعیات عینی استوار نیست ، نخواهد توانست گرهی از مشکلات موجود بگشاید و بالاخره بصورت کلمات بیجان بر روی کاغذ باقی خواهد ماند . این طرح و نقشه دست کم باید ناظر بر سه واقعیت زیر باشد :

اول ، اوضاع سیاسی جامعه ; وجود بحران عمومی ، عدم شایست

رژیم ، تلاطم جامعه و چشم انداز زوج گیری جنبش بویژه جنبش کارگری و دهقانی
وملی از یکسو و وجود نیروها و جریانهای سیاسی ارتجاعی و ضد خلقی که سدر
پی سرکوب و یا بهره برداری از این موقعیت استثنائی ، برای پیاده
کردن مقاصد خویش هستند ، از سوی دیگر .

دوم ، وضعیت مشخص نیروهای م - ل : تشتت ایدئولوژیک -
سیاسی وضعف تئوریک ، حاکمیت خرده کاری و پراکندگی (فعالیت ها ،
کارها ، فعالین و ...) وضعف پیوند با طبقه کارگر و توده ها ، محاصره
از جانب رویزیونیستهای رنگا رنگ (بویژه حزب توده) .

از دو واقعیت بالا ، چنین نتیجه میشود که نه تنها مسئله وحدت
نیروهای م - ل مسئله مرکزی آنها است بلکه با توجه با وضع بسیار حاد
کنونی روند تحقق آن با ید با حداکثر سرعت ممکن طی شود .

سوم ، آنکه تجربیات نه ماهه کنفرانس با ید در حرکت آئینده و در
طرح ما برای وحدت ملحوظ شود . و از جمله آنکه طرح در حد جملات و عبارات
کلی باقی نماند بلکه بزار لازم برای اجرای طرح پیش بینی شود ،
مسئولیتها ، اختیارات ، مناسبات و ... مشخص گردد ، نقطه آغاز و پایان
و چگونگی حرکت از آغاز به پایان معلوم باشد و به عبارتی دیگر طرح با ید از
هر نظر مضامنت اجرایی داشته باشد . چنانچه برای اجرای طرح خود ا بزار
لازم آنرا تدارک ببینیم ، و مثلاً " در نظر داشته باشیم که مبارزه ایدئولوژیک
برای حل مشکلات موجود بصورت خود بخودی و " طبیعی " به پیش رود . قهرا "
دچار دنیا له روی خواهیم شد و جز سردرگمی بیشتر برای افراد ویاس بیشتر
برای طرفداران و خلاصه تضعیف بیشتر جنبش م - ل حاصلی نخواهیم داشت .
از این جهت بود که ما در این نوشته قبل از توضیح طرح پیشنهادی

، شرایط و اوضاعی را که این طرح بر اساس توجه به آنها تنظیم گردیده مورد بررسی قرار دادیم .

اکنون ابتدا نقطه نظرهای خود را بصورت زیر خلاصه می کنیم :

۱ - هر موضع یا "تحلیلی" که پراکندگی حاضر را مورد تأیید قرار دهد یا آنرا تحت هر نام و شکل و بهر بهانه (مثلاً "تحت عنوان نبودتئوری انقلابی") توجیه کند، نادرست میدانیم و موضع مربوطه را دنبال هر وانه ، پاسیفیستی و قدرگرایانه ارزیابی می کنیم و آنرا ، بویژه در شرایط کنونی ، بحال جنبش زیانبار میدانیم .

۲ - ما هدف اصلی تجمعهای کمونیستی (از گروههای مختلف) را کوشش در جهت ایجاد حزب میدانیم و همکوشی تئوریک و مبارزه آیدئولوژیک برای رسیدن به نقطه نظری پرولتری بر سر مسائل مهم جنبش (وضعیت اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی جامعه ، وظایف م - ل ها ، مسئله پیوند با طبقه کارگر و توده ها ، مسائل تشکیلاتی و مسائل جنبش بین المللی کمونیستی) را که در رابطه با پراتیک انقلابی توده ها و گروهها است مسی را اصلی برای رسیدن به هدف (یعنی ایجاد حزب) میدانیم . برای این منظور :

الف - هر تجمع یا "ائتلافی" از گروههای م - ل که همکاری

را جانشین وحدت کند و از طریق کمبها دادن به مبارزه تئوریک و آیدئولوژیک مانع روشن شدن مرزهای سیاسی - آیدئولوژیک بین مارکسیسم و اپورتونیزم گردد کوشی در خلاف جهت صحیح و راستین وحدت جنبش کمونیستی ارزیابی می کنیم .

ب - هر جمعی که وظیفه خود را صرفاً "بحث" (تحت هر نام)

بگذارد و مبارزه آیدئولوژیک و تئوریک را بصورت یک بعدی و انتزاعی یعنی جدا از مسائل حاج جنبش مطرح سازد و ابزارها و نهیها ت تشکیلاتی لازم را برای

به نتیجه رسیدن مبارزه بر سر مسائل جنبش پیش بینی نکنند را تجمعی
روشنفکرانه میدانیم و آنرا بی توجهی به جنبش کارگری و توده‌ای و در جهت
عقب نگهداشتن جنبش کمونیستی ارزیابی می‌کنیم .

ج - بنظر ما هر تجمعی به منظور حرکت بسمت وحدت صورت‌گیرد
با بیدر عین حال مبارزه ایدئولوژیک برای حل مسائل اساسی جنبش و
همکاری سازمان یافته برای پاسخگویی به مسائل جنبش را در متن فعالیت
خود قرار دهد .

۳ - ما معتقدیم که هم‌سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک و هم
انجام همکاریه (حول کارها یا کارهای معین) ضرورتاً "به‌بازار و تشکیلات
ویژه خود که مناسبات شرکت‌کنندگان و ارگانهای آن بایکدیگر روشن بوده
و دارای نظام مناسب باشد و تصمیحات آن بر اساس نظر اکثریت لازم -
الاجرا باشد ، نیاز مند است .

با توجه به نکات بالا مطرح مقدماتی ایجاد یک تشکیلات دوران‌گذار
را که هدف آن پایان بخشیدن به پراکندگی گروهها و نیروهای م - ل ، به
وحدت رسانیدن آنها تحت یک برنامۀ فشرده و بصورت متمرکز در طی یک دوره
معین می‌باشد ، پیشنهاد می‌کنیم .

وظایف این تشکیلات دوران‌گذار را زیگسو ، فراهم آوردن زمینه‌های
ایدئولوژیک ، سیاسی و تشکیلاتی وحدت از طریق سازمان دادن تحقیق و
بررسی ، بحث و مبارزه ایدئولوژیک وسیع و آموزش مشترک درون گروهها
حول مسائل مبرم جامعه و جنبش کمونیستی و تدوین مواضع ایدئولوژیک -
سیاسی و موازین تشکیلاتی ، تهیه و تدوین طرح و برنامه و ... و از دیگر سو
، هماهنگی ، تنظیم و اجرای فعالیتهای مشترک ، توسط کمیته‌هایی که
زیر نظر مرکزیت قرار دارند ، می‌باشد .

وظیفه محوری این شکل ، سازمان دادن یک حرکت برای ایجاد

حزب است . این وظیفه از طریق دادن به مبارزه ایدئولوژیک ، ایجاد تحول در همه گروهها از طریق برجسته کردن مسئله وحدت (حزب) و همچنین مسائل واقعی جنبش ، کار در جنبش کارگری و توده ای ، جلب پیشروان طبقه کارگر ، همکاری نزدیک و وسیع با نیروهای انقلابی و مترقی در مبارزه فدا میریالیستی و فدا رتجایی ... صورت می پذیرد .

تشکیلات مزبور دارای یک مرکزیت موقت (شورای موقت) مرکب از نمایندگان مختار گروهها (از هر گروه یک نماینده یا بیشتر) بوده و دارای نظامنامه ای است که مناسبات تشکیلاتی اعضای شرکت کننده و حدود اختیارات ، مسئولیت ها و وظایف کمیته ها را معین می نماید . رعایت نظامنامه و اجرای کلیه تصمیمات ، تخطی ناپذیر است . مرکزیت مزبور دارای ارگانهای اجرائی ، سیاسی - ایدئولوژیک و یک کمیته بررسی وضعیت گروهها خواهد بود .

بدین ترتیب شکل اجرای طرح با لای صورت زیر خواهد بود :

- تشکیل مرکزیت موقت (شورای موقت) از گروههایی که با این طرح موافقت دارند یا به آن می پیوندند و تنظیم و تصویب نظامنامه داخلی .

- تنظیم یک پلاتفرم سیاسی (برای دوران گذار) که علاوه بر تعیین معیارهای جنبش کمونیستی شامل ارزیابی از اوضاع سیاسی جامعه ، هیئت حاکمه و وظائف و تاکتیک - عملها باشد . تهیه ، بحث درونی ، تدوین و تصویب این پلاتفرم در طی ۱-۲ ماه انجام خواهد گرفت . سپس از تصویب پلاتفرم کمیته ها و ارگانهای لازم و حدود اختیارات و مسئولیت آنها تعیین خواهد شد .

۱- انجام تبلیغات سیاسی واحدا ز جانب مرکزیت موقت بر اساس پلاتفرم مورد توافق و قطع فعالیت‌های تبلیغاتی (از طریق اعلامیه، تراکت، روزنامه ...) و همچنین واحدا کردن سیاستها در زمینه فعالیت‌های مختلف بر اساس پلاتفرم .

روشن است که پلاتفرم مزبور از آنجا که برای دوره گذار تنظیم می‌شود، تنها مهمترین نکاتی را که به تاکتیک بازمیگردند شامل میشود و در حقیقت بیان سمگگیری عمومی سیاسی ملها است . چنانچه در تنظیم پلاتفرم مشترک، که به سبب موقتی بودن آن حداکثر نرمش مجاز و اصولی از جانب گروهها با ید اعمال شود، مجموعه بیک نظروا حدنرسد، تبلیغات بر اساس نظرا کثرت در انتشارات سیاسی - تبلیغاتی صورت می‌گیرد و اقلیت می‌تواند نظرات خود را در ارگان های دیگر (مثلا " نشریه تئوریک) تبلیغ نماید، در مورد گروهها یا گروههایی که احیانا " اختلافاتشان در مورد پلاتفرم آن قدر اساسی باشد که امکان شرکتشان بصورت اقلیت غیر ممکن گردد لیکن با طرح حاضر موافق باشند و بخواهند در تدوین مشی و برنامه و مواضع تحت نظر مرکزیت موقت شرکت فعال داشته باشند، میتوان راه حلی متناسب اتخاذ کرد .

۲- ایجاد کمیته وزیر کمیته های تحقیق و بررسی حول مسائل گرهی و مهم جنبش، اختصاص عمده نیروها برای انجام این منظور، متمرکز ساختن کلیه فعالیت‌های تئوریک گروهها در این سمت، سمت دادن آموزش درونی کلیه گروهها و تدوین برنامه لازم حول مسائل مزبور، دادن زدن به یک مبارزه ایدئولوژیک سالم و گسترده از طریق بحثها، انتشارات داخلی و نیز از طریق نشریه تئوریک - سیاسی برای تدوین مواضع ایدئولوژیک.

سیاسی و نیز تدوین سیاست و برنامه .

— تدوین سیاست و برنامه ریزی برای جنبش دموکراتیک و

کارگری .

— تعمیم این حرکت در مناطق دیگر و تلاش در جهت همگون و

همسو کردن آنها با یکدیگر از طریق شورای مرکزی . شاخه های گروهها در

مناطق تحت مرکزیت شورای منطقه قرار میگیرند .

⋮

— پس از تدوین سیاستها ، برنامه ها ، مواضع ... توسط کمیته ها ، سپس از اشخاص بحث و مبارزه درونی و ارائه نتایج آن به جنبش و تبادل نظر با نیروهای که در این طرح شرکت ننموده اند یعنی تسهیل کار مقدماتی ایدئولوژیک — سیاسی وحدت ، از سازمانها و گروههای مختلف جنبش کمونیستی دعوت میشود تا با گردآمدن درکنگره وحدت نسبت به سیاست ، برنامه و مواضع اتخاذ تصمیم نموده ، اقدام تشکیلاتی لازم را بنمایند . بدیهی است در این مرحله وحدت بین گروهها و جریاناتی تحقق خواهد یافت که به مشی و برنامه پرولتری برای ایجاد حزب برسند .

طرح پیشنهادی کوشش نموده است با حرکت از اوضاع سیاسی کنونی و خصوصیات جنبش مـ ل به گونه‌ای تنظیم یا بدتاً در صورت اجرا بتواند منجر به حرکتی جدی و مؤثر در جنبش مـ ل گردد.

خصوصیت اول این طرح آنستکه ناظر به حل مسائل مورد اختلاف در جنبش مـ ل یا دست کم روشن شدن مرزبندیها میباشد و با توجه به نوپا نسی ، پراکندگی و خصوصیات دیگری که قبلاً بر شمرديم ، اساس را در این میان ، همگونی پیگیر ، متمرکز و سازمان یافته گروهها برای حل مسائل جنبش قرار میدهد ، زیرا اعتقاد دارد که حل مسائل تئوریک کنونی در عهده هیچیک از گروهها به تنهایی نیست ، خاصه آنکه پاسخ به نیازهای عملی و روزمره ، بخش عمده نیرو و انرژی گروهها را بخود اختصاص میدهد ، بدون آنکه بتوانند با زتاب جدی و گسترده‌ای در میان مردم و توده‌ها داشته باشند .

بدین ترتیب تمام مواضع ، سیاست و برنامه ، مصوبات و . . . که به کنگره و وحدت عرضه خواهد شد محصول فعالیت مشترک کلیه گروههاست و در پایه و بدنه آنها نفوذ کرده و میان اعضای آنها و نیز عناصرمـ ل پایگسازه لازم را بدست آورده است و بنا بر این برگزاری کنگره یک عمل صرفاً بورو-کراتیک و فرمالیستی نخواهد بود .

خصوصیت دیگر این طرح آنست که با داشتن یک تشکیلات موقت مـ که دارای ضوابط و اصول متناسب با مضمون خویش است - میتواند پاره‌ای فعالیتها را بصورت مشترک انجام داد ، تا حدی از پراکندگی موجود کاست ، و نقش خود را در جنبش ایفا نمود . بدین ترتیب تشکیلات مزبور در طی دوره گذار ، خود را در لاک خویش پنهان نمیسازد و جانش را بفرا موشی نمی‌سپارد ،

بلکه با انجام فعالیتهای سیاسی، ضمن پاسخ به بخشی از نیازها و جنبش توده‌ای، فعالیتها و قابلیت خود را نیز در معرض دآوری هواداران و توده‌ها قرار میدهد و از جانب آنان مورد حمایت و انتقاد قرار میگیرد و متناسب با شایستگی خود، در میان آنان حس اعتماد و اطمینان به جنبش مـ ل را ایجاد میکند، در ضمن آنکه به نخستین تجارب لازم برای فعالیت‌های گسترده در عمل دست مییابد، از سوی دیگر با تلفیق و ترکیب صحیح مبارزه ایدئولوژیک و مبارزه سیاسی، مبارزه ایدئولوژیک را بصورتی زنده و پویا در خواهد آورد و مانع از سترو شدن آن میگردد.^(۶) از اینرو جدا کردن مکانیکی فعالیتهای سیاسی مشترک و مبارزه ایدئولوژیک در امر وحدت، بعضی از رفقا^{نسط} ("رزمندگان...") و "پیکار" ناشی از درک متافیزیکی و ایده‌آلیستی آنها از این دو مقوله است، زیرا که به گونه‌ای در نظر دارد پراتیک را از تئوری جدا سازد.

مبارزه سیاسی مشترک ما (که به موازات مبارزه ایدئولوژیک در جهت دستیابی به وحدت صورت میگیرد) در میان توده‌ها، که توسط و همراه با آنان انجام میگیرد، خواه ناخواه موجب شرکت مستقیم آنان در روند وحدت‌یابی خواهد گردید، شالوده‌های وحدت را در میان آنان پی‌ریزی خواهد کرد و به وحدت آینده عمق و استحکام خواهد بخشید. آن دسته از رفقا که این دو وجه را از یکدیگر جدا می‌سازند، درکی غیرتوده‌ای از وحدت ارائه میدهند. وحدت را میان گروه‌های منفرد از توده‌ها می‌بینند و در میان آنان در مبارزات سیاسی.

بنا بر این بطور خلاصه، تشکیلات دوران گذار راه‌حلی است که مسئله وحدت نیروهای مـ ل را از طریق همکوشی، بحث و مبارزه ایدئولوژیک

در متن مبارزه سیاسی جامعه، به صورتی برنا مدبریزی شده و آگاهانه به پیش خواهد برد و زمینه های ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی را در طی این دوره فراهم خواهد ساخت .

طرح تشکیلاتی دوران گذار، مسلماً دارای نواقصی نیز هست . اصولاً هیچ طرح وحدتی را قبل از آنکه به محک تجربه زده شود نمیتوان بدون نقص دانست و هیچ نسخه از پیش آماده ای برای وحدت وجود ندارد . آنچه در اوضاع کنونی برای ما اهمیت درجه اول دارد آنستکه موفق شویم طرحی عملی را - هر چند دارای نواقصی باشد - بمرحله اجرا در آوریم، ضمن آنکه در طی اجرای آن نواقص طرح و نواقص خود را بر طرف میسازیم . آنانکه قاعدتاً در شرایط تاریخی حاضر ادراک کنند، آنانکه قاعدتاً در مصالح تمامی جنبش را با دیدی باز و بدون از تنگ نظری و سکتاریسم مورد ملاحظه قرار دهند، برای آنان خرد اختلافیهای گروهی، پیشداوریها و یا حتی انتقاد های درستی ولی درجه دوم مانع از شرکت فعالشان در حرکتی که بطور کلی آنرا درست ارزیابی میکنند نمیشود . برای آنان درختها مانع از دیدن جنگل نیست . بایست با تکیه به نیروی توده ها و با اعتماد به آنها و با اعتقاد به اینکه آنان قادرند بسیاری از اشکالات ما را تصحیح کنند و با مورد تصفیه قرارمان دهند، حرکتی را در جهت وحدت و در جهت شکست - ظلم شوم پراکندگی آغاز کرد .

و اما دو کلمه به آندسته از کسانی که بجای برخورد مشخص، در هر موردی با الما ق چند اریسم" گریبان خود را خلاص میکنند . ایندسته از رفقا که به طرح حاضر صفت ولونتاریسم (اراده گرائی) را اطلاق میکنند، توجه ندارند که ولونتاریسم بمعنای داشتن اراده و اعمال اراده نیست بلکه

بمعنای تحمیل اراده در خلاف جهت حرکت واقعیات عینی است. داشتن اراده و اعمال آن در جهت نیازها و واقعیات عینی نه تنها امری مطلوب بلکه ضرورتی اجتناب ناپذیر است. تأسف آفرین است در زمانیکه محافظه کاری، تردید و تزلزل سراپای نیروهای مصلح را فرا گرفته است، عده‌ای برخیزند و علیه ولونتاریسم بانگ برآورند. فریاد آنها داستان آن مرد ساده لوحی را بخاطر می آورد که در مراسم تشییع جنازه داد میزد "خدا بیه کسب و کارتان رونق دهد و هر چه قدر ببرد تمام نشود".

آری برای تحقق وحدت ما به اراده و بیش از آن به جسارت نیاز داریم. ما باید بدون تزلزل در راهی که بدرستی آن معتقدیم گام برداریم حتی اگر در آغاز اندک باشیم. آنچه بمراتب بیش از اشتباه برای یک جریان سیاسی مرگبار است، تردید و تزلزل است.

- اتحاد انقلابی برای رهایی کار.
- اتحادیه کمونیستهای ایران.
- پیوند.
- مبارزان راه طبقه کارگر.
- مبارزین آزادی طبقه کارگر.

(۱۳۵۸ / ۱۰ / ۶)

توضیحات

(۱) حزب توده در طی یکسال اخیر با جدیت مشغول احیاء و بساز سازی پایگاه طبقاتی خویش (بطور عمده در میان خرده بورژوازی بوروکرات، مدیران، تکنوکراتها و ۱۰۰) ، کوشش برای جلب اقشاری از زحمتکشان و روشنفکران و نیز تلاش در جهت نفوذ^{در} رگانهای قدرت و ارتش بوده است. حزب توده با پیش گرفتن سیاست "حمایت" از هیئت حاکم تمام تلاش خود را برای فراهم آوردن شرایط مادی و ذهنی وابسته کردن ایران و متمایل نمودن هیئت حاکم به ابر قدرت روس بکار گرفته است.

در میان نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی، حزب توده چه به سبب برخورداری از پتانسیل مادی و معنوی و حمایت ابر قدرت روس و چه از آنرو که در زمینه سیاست بازی دارای "تجربه" است در موقعیت ممتازی نسبت به دیگران قرار دارد. مهمترین نیروئی که قادر است با تکیه بر توده ها جلوی یورش حزب توده را در منحرف ساختن جنبش توده ها و به بند کشیدن آن سد کند، نیروهای جنبش کمونیستی می باشند. لیکن پراکندگی و گرفتار شدن نیروهای م- ل در خرده کاری مانع از آنست که آنان بتوانند به این وظیفه مهم و اساسی خود پاسخ گویند. بدین ترتیب حزب توده بیش از هر نیروی دیگری از وجود پراکندگی در میان نیروهای م- ل سود می برد.

گرچه خطری که از جانب حزب توده جنبش دموکراتیک و کارگری ما را مورد تهدید قرار میدهد آنقدرها ملموس بنظر نمی رسد، لیکن حرکات آشکار و پنهان و رشد وی در یکسال اخیر با نذازه کافی برای نیروهای م- ل هشدار

دهنده است و باید قبل از آنکه این نیروی ارتجاعی ضد خلقی و وابسته به بیگانه‌خوری بالفعل شود، قبل از آنکه مقابله با وی دیگر اگر نه ناممکن دست کم بسیار دشوار شود، از خواب خرگوشی بیدار شوند و بخود آیند. کم توجهی نیروهای م- ل در طی این مدت و کم بها دادن آنها به این مسئله تا کنون ضربات بسیار مهمی بر پیکر آنان وارد آورده است.

(۲) قصدا در اینجا توجیه پاسیفیسم حاکم بر پاره‌ای گروهها، که در طی این دوره تنها به نفی مشی چریکی می پردازد ختند لیکن گامی جدی در جهت فعالیت‌های عملی بر نمی‌داشتند نیست.

(۳) مظاهرمشخص عدم کفایت فعالیت گروهی در پاسخ به نیازهای جنبش در موارد زیر به روشنی مشاهده میشود:

۱- پراکند شدن عناصر و نیروهای که بالقوه به جنبش م- ل متعلق - اند و عدم وجود جاذبه نسبت به مشکل شدن درون گروهها برای برخی فعالین مارکسیست - لنینیست (چهره و شنفکر، چه کارگر) و در نتیجه پراکند شدن "شکاف" میان گروهها از فعالین!

جالب اینجاست که بعضی‌ها وجود و رشد این پدیده را نتیجه رشد لیبرالیسم و پاسیفیسم و "بی‌خطی" میدانند. به این ترتیب این فقط از درک ریشه‌های عمیق این پدیده عاجز میمانند و علاوه بر آن گناه خویش را به گردن دیگران می‌اندازند.

۲- رشدیک‌گرایی ضد تشکیلاتی و با اصطلاح ضد روشنفکری خصوصاً میان

کارگران مبارز که ناشی از اثرات سوء فعالیت گروهی و سکتاریستی و خصوصاً رقابت‌های خرده‌بورژوازی ناشی از آن در میان کارگران است .

۳- عمده‌شدن برخی تضادها در میان گروه‌ها که ناشی از عدم درک گروه اصلی و عینی جنبش م- لامی (سپری شدن دوره فعالیت گروهی) است .

چرا که در این صورت عناصرو گروه‌ها ناگزیرند عدم پیشرفت کار خویش را به وسیله عمده‌کردن پاره‌ای اختلافات درونی توضیح دهند .

(۴) فعالین گروه‌ها در کارخانه‌ها و مراکز توده‌ای و همچنین هوا- داران و پایه‌های گروه‌ها در عمل و فعالیت روزانه ضرورت وحدت را با گوشت و پوست خود احساس میکنند و این ضرورت طور است که گاه همگی علی‌رغم وابستگی به گروه‌های مختلف و حتی گاهی بدون آگاهی گروه‌های خود دست به فعالیت مشترک که بدون آن به‌انزوا و مرگ سیاسی کشیده میشوند- میزنند .

(۵) مثلاً "برخوردی که "مبارزه ایدئولوژیک" برای وحدت را - بی آنکه آنرا بصورت سازمان یافته و آگاهانه و چیزی که از نظر - تشکیلاتی و عملی نیز باید اولویت‌های لازم را برای این مبارزه ایدئو - لوژیک داشته باشد- جا نشین طرح کمیته‌ها هنگی میکرد از اینگونه بود .

(۶) روزنامه‌سیاسی یا ارگان مرکزی تشکیلات دوران گذار از چندجنبه دارای اهمیت خاصی است. روزنامه می‌تواند با توجه به گستردگی نفوذ آن، نظرات مـ ل را وسیعاً در میان توده‌ها ببرد و رفته‌رفته بخش‌هایی از توده‌ها را با زمینه‌های این نظرات آشنا سازد. مطالب روزنامه بدلیـل همکاری نزدیک گروه‌ها با یکدیگر، غنا و عمق خاصی پیدا خواهد کرد و از نظر کمی و کیفی به درجه‌ای بالاتر از نشریات فعلی آنها دست خواهد یافت. در عین حال، روزنامه‌ها هر می‌است در خدمت وحدت جنبش مـ ل، ویکی از محورهای مهم تبلیغ و مبارزه ایدئولوژیک آن، همان مسئله وحدت و مبارزه با گرایش‌های انحرافی در این رابطه است. و بالاخره، روزنامه قادر به پاسخگویی به کلیه مسائل مهم است (کاری که از یک اعلامیه یا قطعنامه یا بیانیه برنمیآید) و می‌تواند بصورت مستمر و دائمی و در انطباق با شرایط دائماً متغیر، با انحرافات مبارزه کند و بصورت قطعی در برابر خطرات موجود و از آنجمله حزب توده، بایستد.

اطلاعیه

گروههای شرکت کننده در " کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر " پایان کار این کنفرانس را اعلام میدارند .
این تصمیم پس از گذشت قریب یکسال از حیات آن و علیرغم پاره‌ای همکاریه‌ها و فعالیت‌های مشترک در زمینه‌های مختلف ، از آنجا که کنفرانس در اصلی‌ترین هدف خود یعنی دستیابی به وحدت جنبش کمونیستی ناموفق بود ، گرفته شده است . بدون تردید تجارب فعالیت کنفرانس در ادامه کوشش گروههای جنبش کمونیستی برای ایجاد حزب طبقه کارگر موثر خواهد افتاد .

در حال حاضر همه گروههای شرکت کننده معتقد به جمع بندی از این تحریکات هستند و هر گروه و یا جمعی از گروهها در ارائه این جمع بندیها و طرح وحدت جنبش کمونیستی خواهند کوشید . قطع فعالیت کنفرانس به هیچ وجه بمعنی قطع ارتباط و همکاری گروهها و عدم کوشش در جهت وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب نیست . نیروهای شرکت کننده در کنفرانس همچنان حل مسئله وحدت را بعنوان وظیفه مبرم و محوری جنبش کمونیستی تلقی کرده و با بهره گیری از دستاوردهای آن تلاشهای خود را برای تحقق امر وحدت ادامه خواهند داد .

گروههای شرکت کننده در

" کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر "

www.iran-archive.com

بها ۲۵ ریال